

کی‌رایت در اینترنت؛ لینک دادن و عواقب آن^۱

ادوارد کاوازوس و کو مایلز

ترجمه صفرا واعظی‌نژاد

اشاره

این مقاله با توجه به پیچیدگی مسائل حقوقی پیرامون پیوندیابی در شبکه گسترده جهانی، به طرح مسائل مرتبط با مالکیت معنوی در این زمینه می‌پردازد. دو پرونده «صفحه دلیبرت هاک» و «توتال نیوز» دو رخداد قضایی ساده‌ای هستند که با تحلیل آنها خواهید دانست مباحث مربوط به برقراری پیوند با شبکه جهانی ابعاد پیچیده حقوقی دارد.

نویسندگان این مقاله با دقت این مسأله جدید را بررسی و تحلیل کرده‌اند. دغدغه اصلی، حل تناقضی است که در شبکه جهانی وجود دارد: از یکسو ماهیت شبکه جهانی، پیوند اجزا و شاخه‌ها به یکدیگر را مطالبه می‌کند و از سوی دیگر هرگونه ارتباطی بین شاخه‌ها باید با مجوز انجام پذیرد. این به معنای اختلال در سیستم پیونددار و مرتبط شبکه محسوب می‌شود یا حداقل از سرعت و کارایی آن می‌کاهد.

شبکه گسترده جهانی یا WWW اغلب به منزله راهی برای تعامل با اینترنت مورد استفاده واقع می‌شود که اکثراً به اشتباه اینترنت را به جای «شبکه» و بالعکس به کار می‌برند. در حالی که این دو یک معنا و کاربری ندارند. البته اینترنت و کاربردهای اصلی آن به زمان تأسیس قراردادهای شبکه جهانی باز می‌گردد که طی چندین دهه انجام شد. با این وجود با توجه به گستره عظیم قابل دستیابی اینترنت که اکنون به انتقال صفحات اختصاص یافته است، تردیدی نیست شبکه جهانی فراگیرترین شبکه رایانه‌ای است.

به عبارت ساده‌تر WWW یا شبکه جهانی مجموعه‌ای از قراردادهایی است که دسترسی به داده‌های اطلاعاتی متفرق در مکان‌های جغرافیایی مختلف را از طریق محیط ارتباطی چند رسانه‌ای کاربرپسند تسهیل می‌کند. هنگامی که کاربر از طریق این قوانین ارتباطی (پروتکل‌ها) اطلاعاتی را

دریافت می‌کند، امکان دسترسی به سایر اطلاعات مرتبط با این داده‌های دریافت شده به صورت پیوندهایی نمایش داده می‌شوند این پیوندها امکان دستیابی کاربر به اطلاعات مرتبطی را فراهم می‌آورد که می‌توانند شامل پیوند به قسمتهای دیگر اطلاعات دریافت شده باشند. بنا بر این، به طور مثال، چه بسا در پانوشت مقاله‌ای که در اینترنت منتشر شده است، صرفاً به ذکر منابع مقاله بسنده ننماید، در صورت تمایل و انتخاب کاربر، می‌تواند از طریق پیوند با آن منابع، اصل منبع را به طور کامل نمایش دهد. آنچه شبکه جهانی را به شبکه ماندی تبدیل می‌کند که اطلاعات آن به صورت پیوسته به یکدیگر ارجاع داده می‌شوند و مورد ارجاع متقابل نیز قرار می‌گیرند، این نوعی پیونددهی است. در نتیجه شیوهٔ مرور در شبکه جهانی طبیعتاً غیر خطی است.

اما پیوند شبکه جهانی برخی سؤالات حقوقی جالب توجه را برمی‌انگیزد. آیا انجام پیوند مستلزم رعایت حقوق مالکیت معنوی است؟ آیا مسئولیت‌های حقوقی ناشی از پیوندسازی غیرمجاز قابل تصویر است؟ مقاله حاضر اینگونه پرسش‌ها و مسائل مربوطه را مورد توجه قرار می‌دهد، مفهوم و ماهیت قوانین ارتباطی بین شبکه‌ای (پروتکل‌ها) را بررسی کرده و فرایندهای واقعی که به هنگام پیوندسازی به وقوع می‌پیوندد را تشریح می‌نماید. برخی از موارد و نمونه‌های حقیقی در دنیای واقعی را آورده تا به کمک آنها بتوان برخی از مسائل و موضوعات حقوق مالکیت معنوی مختص به شبکه جهانی وب را تشریح نمود. با مروری بر قوانین و مقررات کپی‌رایت در محیط شبکهٔ وب، به مشکلات خاص حقوقی ناشی از پیوند غیرمجاز که قبلاً به آنها اشاره شد، پرداخته می‌شود.

صفحهٔ دیلیبرت هاک^۲

داستان فکاهی مصور و مشهور دیلیبرت، بیانگر تاریخ تجارت و مراحل تطور آن است. دیلیبرت شرکتی طفیلی است که به مشکل کاغذبازی دچار شده است. شرکت یو. ام. یا همان صاحب امتیاز داستان‌های فکاهی دیلیبرت، وب سائیتی دارد که کاربران می‌توانند با استفاده از آن تازه‌ترین کارتن‌های دیلیبرت را مشاهده کنند، محصولات مرتبط با دیلیبرت را خریداری کنند و با یو. ام. یا نویسندهٔ این داستان‌های فکاهی یعنی اسکات آدامز تماس بگیرند. در ژانویهٔ سال ۱۹۹۶، یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه پرینستون سائیتی را راه‌اندازی و آن را صفحهٔ دیلیبرت هاک نام‌گذاری کرد. بدین ترتیب این امکان را برای کاربران فراهم ساخت تا جدیدترین داستان‌های فکاهی دیلیبرت را در چارچوبهٔ متفاوت از فریم‌های عرضه شده از سوی یو. ام. مشاهده کنند.

صفحهٔ دیلیبرت هاک، فایل‌های تصویر دیلیبرت را در برنمی‌گرفت و نویسندهٔ صفحهٔ دیلیبرت هاک، هرگز کارتن‌های دیلیبرت را تکثیر نکرده بود. اما در این صفحه نشانی دقیق فایل‌های تصویری مورد نظر بود و بر همین اساس، فایل‌های تصویری توسط مرورکنندهٔ کاربر و به منظور اتصال شدن به صفحهٔ دیلیبرت هاک، مستقیماً از سایت دیلیبرت متعلق به یو. ام. دریافت می‌شدند. شرکت یو. ام. در

ژوئیه ۱۹۹۶ نویسنده صفحه دیلبرت هاگ را از این مطلب آگاه ساخت که داستان‌های فکاهی دیلبرت، از جمله حقوق معنوی یو. ام. به شمار می‌آید که بدون اجازه کتبی مجاز به استفاده از آنها نمی‌باشد. نامه بعدی مشاور حقوقی یو. ام. صفحه دیلبرت هاگ را به نقض آشکار کی‌رایت متهم کرد و آنان را به اتخاذ اقدام قانونی در برابر این عمل تهدید کرد. بالاخره صفحه دیلبرت هاگ در مواجهه با حکم مسئولیت‌آمیز نامعلومی در تاریخ اوت ۱۹۹۶ از انجام فعالیت محروم شد.

توتال نیوز

الگوی اطلاعاتی جالب توجه دیگر شامل توتال نیوز^۲ است. توتال نیوز با استفاده از فن‌آوری فریم^۴ و در حالی که کاربر همچنان به تماشای لوگوی^۵ توتال نیوز و آگهی‌های تبلیغاتی وابسته به آن مشغول است، محتوی را از چندین منبع اطلاعاتی مختلف به نمایش می‌گذارد. توتال نیوز با استفاده از این فریم‌ها پنجره مرور کننده را به چهار ناحیه جداگانه تقسیم می‌کند. ناحیه شماره یک شامل تعدادی پیوند با منابع خبری مانند USA Today, CBC, CNN است. ناحیه شماره یک شامل دو لوگو است که بین لوگوی توتال نیوز و لوگوی تبلیغ کننده‌ای در نوسان است. ناحیه شماره سه حاوی متون خبری است. هنگامی که کاربر یکی از پیوندهای ناحیه یک را انتخاب می‌کند، اطلاعات موجود در ناحیه سه به نمایش درمی‌آید. ناحیه شماره چهار همیشه دائماً متغیر آگهی‌ها را در خود می‌گنجاند. شیوه توتال نیوز در بهره‌گیری از فریم‌های مزبور این امکان را برای مجریان سایت به وجود می‌آورد که همزمان با نمایش محتوای منابع مستقل دیگر، لوگوی خویش را نیز به نمایش گذارند. چنانچه منبع توزیع خبر، لوگوی خود یا علامت مشخص کننده دیگری را در هر بخش از اطلاعات شده ظاهر نکند، این سؤال برای کاربران مرور کننده خبر به وجود می‌آید که اطلاعات مشاهده شده متعلق به کدام منبع اطلاعاتی است. تعدادی از سایت‌های خبری که توتال نیوز با آنان پیوند برقرار کرده بود، ضمن ارائه دادخواست در فوریه ۱۹۹۷، مدعی شدند علامه بر سایر موارد، حق اثر و نشان تجاری آنان نیز از سوی کاربران مورد تجاوز و استفاده نابجا قرار گرفته است.

قانون کی‌رایت، بی‌تأمل «از آثار بدیع نویسندگی که به صورت نوعی ابزار ملموس بیان محرز شده‌اند، حمایت به عمل می‌آورد». از آنجا که صفت بدیع، صرفاً به اثری اطلاق می‌شود که نتیجه خلاقیت مستقل نویسنده بوده و از حداقل میزان خلاقیت بهره برده باشد به نظر می‌آید کلیه نشریات در شبکه جهانی واجد شرایط حمایت شدن توسط قانون کی‌رایت باشند.

برخورداری از حقوق انحصاری دارنده کی‌رایت به موجب قانون مربوطه، از جمله مزایای حاصل در این زمینه است. این قانون شش مورد از حقوق انحصاری را به رسمیت می‌شناسد:

(۱) بازآفرینی

(۲) تهیه آثار اقتباسی

۳) توزیع و نشر عمومی

۴ و ۵) اجرا یا نمایش عمومی

۶) اجرای عمومی از طریق پخش رادیویی و دیجیتالی.

این حقوق را می‌توان به وجه سلبی و با منع هرگونه استفاده از آنها اعمال کرد. علاوه بر این، رویه‌های حقوقی موجود بیانگر آن است که در مورد داده‌ها، به اطلاعات مربوطه به محدوده دانش عمومی، صحنه‌های نمایش و زمان و استعارات تکراری حق انحصاری اعطا نخواهد شد.

برای آنکه بتوان فردی را به موجب اصول کپی‌رایت مسئول دانست، عامل پیونددهنده با موضوع منحصر شده (که از این پس به وی نام «عامل پیونددهنده»^۶ اطلاق می‌شود) باید شرایط «ناقص آشکار»^۷ یا تا حدودی «ناقص جانبی»^۸ را داشته باشد. پس لازم است پیش از تحلیل محدوده مسئولیت مرتبط با برقراری پیوند، به تفاوت‌های میان این دو نظریه پی ببریم.

نقض آشکار

این قانون تصریح دارد «فرد تخطی‌کننده از حقوق انحصاری دارنده کپی‌رایت را ناقض قانون کپی‌رایت می‌دانند» به منظور اثبات این امر احراز دو شرط لازم است:

۱) مالکیت حق انحصاری معتبر

۲) نسخه‌برداری از عناصر بدیع و مبتکرانه اثر.

مهم این است که قانون مزبور به نیت شخص ناقض کپی‌رایت توجهی ندارد. چنانچه اقدامات طرف برای تأمین این دو شرط کافی باشد، وی «ناقض آشکار» و مسئول تلقی می‌شود.

آنچه در اینجا مورد توجه خاص است، تأثیری است که عمل واحدی در شبکه جهانی، بر حقوق برشمرده دارنده کپی‌رایت اعمال می‌کند. به طور مثال دادگاه ناین سرکیت اظهار داشته است «نسخه‌برداری» با هدف نقض کپی‌رایت، زمانی صورت می‌پذیرد که برنامه رایانه‌ای از محل ذخیره دائم خود به حافظه رم رایانه منتقل شود. سایر محاکم پس از استنباط این قانون بنیادین به این نتیجه دست یافته‌اند که به همین ترتیب، «انتقال» فایل رایانه‌ای از یک سیستم رایانه‌ای راه دور به رایانه درخواست کننده نوعی نسخه‌برداری است که حقوق انحصاری صاحب اثر را مطرح می‌کند. حقوق نمایش، توزیع و نشر عمومی و حقوق اقتباسی نیز سایر استلزامات بالقوه‌ای هستند که به دنبال تعقیب مطالب بر اینترنت مطرح می‌شوند. مدعی‌علیه در پرونده «شرکت می‌راژ ادیشن در برابر شرکت آلبو کوترک ای. آر. تی»، اقدام به تقلید از اثر هنری چندین کتاب، انطباق آن بر کاشی‌های کف‌پوش و فروش آن به منظور کسب منافع تجاری کرده بود. دیوان ناین سرکیت بدون هیچ تحلیل و بررسی، مدعی‌علیه را مسئول نقض حقوق دارنده کپی‌رایت دانست. این حقوق، همان اعطای مجوز به خلق کارهای اقتباسی بودند. دیوان سونس سرکیت در دعوی لی در برابر شرکت آلبو کوترک ای. آر. تی که

ترتیب آن در واقع، همانند دعوی مزبور بود، اینگونه استنباط کرد که حقوق اقتباسی دارنده کی‌رایت نقض شده است. استدلال دادگاه در این مورد چنین بود که صرف چسباندن اثر هنری روی کاشی را می‌توان با قالب سازی برای تصویر مقایسه کرد که این عمل هرگز منجر به تغییر، بازنویسی، اقتباس یا دگرگونی اثر اصلی نخواهد شد. دادگاه اظهار داشت صدور حکمی غیر از این از «مجموعه‌دارها و جهانگردان» و سایر اشخاصی که هر اثر هنری دیگری را خریداری می‌کنند، افراد «مجرم» خواهد ساخت. در واقع دادگاه در دعوی میراژ، با عنوان اجرای حقوق اقتباسی دارنده کی‌رایت به بسط حقوق اخلاقی نویسنده در حدی فراتر از آنچه پرداخت که در اساسنامه بر آن تصریح شده است. به بیان دقیق‌تر، قانون کی‌رایت حقوق اخلاقی نویسنده را به منظور «ممانعت از هرگونه تحریف، ایجاد نقض یا هرگونه تغییر آگاهانه دیگر در اثر که منافی شأن و شهرت وی باشد»، محدود کرد. حتی این حقوق نیز به «آثار هنرهای تجسمی» محدود می‌شود که آنها نیز به نوبه خود، به نقاشی، طراحی، چاپ، مجسمه سازی یا تصاویر عکاسی منحصر می‌شوند که صرفاً نسخه واحدی از آنها موجود است و به تعداد محدود دویست عدد یا کمتر تکثیر می‌شوند که به امضاء و شمارش صاحب اثر می‌رسد.

برخی دیوان‌های دعاوی اظهار داشته‌اند «تأیید» رفتار تخطی‌گرایانه دیگران، خود نوعی نقض آشکار است. اما تاریخ قانونگذاری حاکی از آن است که هدف از کاربرد عبارت «تأیید»، ممانعت از راه‌اندازی بحث و گفتگو راجع به مسئولیت ناقضان جانبی است. بدین ترتیب، جای تعجب نیست که سایر دیوان‌های دادرسی نسبت به این مطلب اظهار تردید کرده باشند که آیا «اعطای مجوز» شیوه جداگانه‌ای از نقض آشکار را موجب می‌شود یا خیر.

آیا در جریان برقراری پیوند، نقض آشکار صورت می‌پذیرد؟ مرور جریان بحث در مورد صفحه دیلبرت هاک و توتال نیوز حاکی از آن است که حداقل، در شرایطی شبیه به شرایط خدماتی موجود در مورد این دو، کاربر نهایی تنها ناقض آشکار است. علت آن است که عامل پیونددهنده هرگز عملی را انجام نمی‌دهد که به ظاهر مستلزم تغییر و تبدیل مستقیم مطالب انحصاری باشد. طبق اظهار گروهی از مفسران، «آنان (طرف‌های پیونددهنده) عمل نسخه‌برداری را انجام نمی‌دهند که عنصر اساسی مسئولیت نقض کی‌رایت است.» کلیه اقداماتی که به ظاهر نقض کی‌رایت محسوب می‌شوند (بازآفرینی، توزیع و نشر و نمایش) به دلیل ماهیت فن‌آوری زیربنایی به دست استفاده کننده نهایی انجام می‌شود که مستقیم به محتوی و مضمون دسترسی دارد. تنها نقش طرف پیونددهنده در این فرایند عرضه اطلاعات راجع به چگونگی امکان این نوع دستیابی است.

حتی اگر دادگاه نیز به تعبیر آزاد و پرهزینه نقش عامل پیونددهنده می‌پرداخت و اینگونه استدلال می‌کرد که این عامل تا حدودی به تصرف اثر انحصاری و تغییر آن می‌پردازد (که اینگونه نیست)، به نظر می‌رسد تنها ادعای موجود همان دعوی شبیه قضیه میراژ است. اما دعوی لی که قانع‌کننده‌تر نشان می‌دهد، عامل پیوند را از هرگونه ارتباط واقعی با این موضوع مبری می‌کند.

تاکنون هیچ دادگاهی با الگوی اطلاعاتی پیوندهنده برخورد نداشته است. اما دادگاه‌های مواجه با موقعیت تقریباً مشابه با مسئولیت کاربر سیستم تابلوی اعلانات (BBS) در رایانه معمولاً اینگونه حکم داده‌اند که چنانچه کاربران نهایی سیستم عاملانی باشند که اصولاً مسئول تغییر و تحول مستقیم و آشکار مطالب انحصاری هستند، شایسته نیست کاربر واسطه سیستم را مسئول نقض صریح و مستقیم بدانیم. استدلال آن گروه از دادگاه‌هایی که از عرضه این حکم امتناع ورزیده‌اند، سؤال برانگیز است. مهم اینکه، بر خلاف قضایای توصیف شده در اینجا، در مواردی که سیستم ناقص آشکار نیست، شرایطی مطرح است که در آنها مطالب انحصاری حقیقتاً بر رایانه‌های کاربرد سیستم ذخیره و پردازش می‌شود. با این وجود دیوان‌هایی که اینگونه دعاوی را مورد توجه قرار می‌دهند، از مسئول دانستن کاربرهای سیستم در قبال نقض آشکار خودداری کرده‌اند. به ظاهر اقدام این دادگاه‌ها برای مسئول دانستن طرف‌های پیوندهنده به عنوان ناقضان آشکار و مستقیم، به هر دلیلی که باشد، قابل توجه نیست. اینان باید برای آسوده خاطر ساختن صاحبان کی‌رایت به نظریه مسئولیت‌آمیز دیگری متوسل شوند.

مسئولیت شخص ثالث - نقض جانبی

بر خلاف قانون ثبت انحصاری اختراعات، قانون کی‌رایت «افراد را آشکارا به نقضی متهم نمی‌کند که از سوی دیگری انجام گرفته است.» فقدان چنین زبان صریحی در مقررات کی‌رایت مانع از تحمیل مسئولیت نیست. طبق تعریف دیوان سکندسریکیت، «شخصی که با آگاهی از تخطی‌گرایانه بودن عمل دیگری، او را ترغیب کند، موجبات عمل وی را فراهم آورد یا در راه تحقق آن وی را مورد مساعدت مادی قرار دهد، ناقص جانبی شناخته می‌شود.» مهم این است که بدون نقض واقعی و آشکار شخص ثالث، نقض جانبی مفهومی نخواهد داشت. با این حال هرگاه شخصی درگیر قضیه نقض کی‌رایت شود و هنوز در اقداماتی که مستلزم ادعای نقض صریح هستند، مشارکت نکرده باشد، چه بسا نقض صریح ابزار شایسته‌ای برای ارزیابی مسئولیت به شمار آید. دادگاه‌ها دو نوع نقض جانبی را مورد شناسایی قرار داده‌اند: افرادی که تأمین‌کنندگان مالی نقض کی‌رایت هستند و افرادی که با اقدام خویش در این امر مشارکت می‌کنند و به آن جامه عمل می‌پوشانند.

تأمین مالی نقض کی‌رایت

یکی از انواع نقض جانبی «تأمین مالی» عمل نقض است. برای آنکه بودجه تأمین عمل نقض بتواند منشأ حقوقی دعوی را موجب شود، مدعی باید نشان دهد مدعی‌علیه، آگاهانه ابزار نقض دو یا چند مورد از حقوق انحصاری دارنده کی‌رایت را ایجاد کرده است که این ابزار فاقد زمینه استفاده واقعی دیگری غیر از تخطی‌گری بوده‌اند و نقض آشکار صورت گرفته است. چنانچه این موضوع اثبات

شود، صرف‌نظر از میزان احاطه مدعی‌علیه بر ناقض آشکار یا منفعت اقتصادی آنان در این عمل، شخص یا طرف تأمین‌کننده درآمد مسئول شناخته می‌شود.

در دعوی «شرکت سونی آمریکا و شرکت یونیورسال سیتی استودیوز» که از جمله دعاوی مهم و برجسته به شمار می‌آید، صاحبان کی‌رایت برنامه‌های تلویزیونی مدعی بودند فروش دستگاه‌های ضبط نوارهای ویدئویی موجبات استفاده غیرقانونی مصرف‌کنندگان و نسخه‌برداری غیرقانونی را از برنامه‌های تلویزیونی فراهم آورده است. استدلال مدعیان این بود که تولیدکنندگان دستگاه‌های ضبط نوارهای ویدئویی را باید به علت تولید و بازاریابی برای این دستگاه‌ها، ناقضان جانبی به شمار آورد. دیوان عالی ایالات متحده با انجام آزمایش حقوق انحصاری ثبت اختراعات جهت اثبات کاربرد واقعی و غیرتخطی‌گرایانه بودن دستگاه ضبط نوار ویدئویی، رأی خود را بر این مبنی صادر کرد که دستگاه‌های مزبور دارای کاربرد واقعی غیرتخطی‌گرایانه هستند و بدین ترتیب افراد متشاکمی را نمی‌توان مسئول نقض جانبی به شمار آورد.

نقض مشارکتی

نوع دیگر نقض جانبی را اغلب «نقض مشارکتی»^{۱۰} می‌نامند. برای آنکه نقض مشارکتی بتواند منشأ دعوی حقوقی را موجب شود، مدعی باید اثبات نماید مدعی‌علیه از نقض آشکار دیگری مطلع بوده است و با عمل خویش این نقض را ترغیب کرده، موجبات آن را فراهم آورده و به لحاظ مادی به پیشبرد آن کمک کرده است.

در دعوی «شرکت اسکوپن جمز - کلمبیا میوزیک در برابر شرکت مارک فی رکوردرز»، طرف ناقض از حقوق انحصاری مدعی در ساخت برخی آهنگ‌ها تخطی کرده و با نسخه‌برداری و بازآفرینی آنها اقدام به انتشار آلبوم غیرمجاز کرده بود. مدعی علاوه بر سازمان منتشرکننده آلبوم، بنگاه تبلیغ‌کننده را به دلیل استفاده از تبلیغات غیرتخطی‌گرایانه جهت فروش آلبوم‌های غیرمجاز، شبکه رادیویی تبلیغ‌کننده به دلیل پخش آگهی‌های مربوطه و نمایندگی بسته‌بندی را به دلیل حمل آلبوم‌های غیرمجاز مورد تعقیب قانونی قرار داد. دادگاه اعلام کرد چنانچه بنگاه تبلیغاتی، شبکه رادیویی و نمایندگی بسته‌بندی از ماهیت غیرمجاز آلبوم‌های مزبور مطلع بوده باشند، می‌توان آنان را مسئول نقض جانبی کی‌رایت دانست.

عامل پیونددهنده به منزله ناقض جانبی

چنانچه در شرایط فعلی بپذیریم فعالیت مصرف‌کنندگان نقض آشکار محسوب می‌شود، آیا می‌توان گفت اقدام عامل پیونددهنده به گونه‌ای است که عناصر لازم جهت انجام نقض جانبی را

تأمین می‌کند؟ در پاسخ باید گفت در برخی موارد این امکان وجود دارد. پرسش و تحقیق مربوطه در اینجا است که چه نوع پیوندی در این میان برقرار است. به احتمال قوی هرگاه عامل پیونددهنده اقدام به برقراری پیوند ترغیبی راه دور میان مصرف‌کننده و موضوع انحصاری موجود روی صفحه شبکه کند، به ظاهر می‌توان پذیرفت «مشارکت مادی»^{۱۱} یا «فیزیکی» عامل پیونددهنده بیش از اقدام نویسنده‌ای نیست که مقالات ابتدایی مبتنی بر مطالب سایرین عرضه می‌کند و بدین ترتیب مدخلی را به کتابنامه‌ای وارد می‌کند یا مرجع مورد استفاده خود را در پانوش می‌آورد. به ظاهر آراء اخیر دادگاهها در خصوص تعهد کاربر خدماتی پیوسته در قبال اقدامات تخطی‌گرایانه مصرف‌کنندگان متضمن این مطلب است که صرف تهیه امکاناتی که انجام تخطی از طریق آنها ممکن شود، به مفهوم «مشارکت اساسی» مورد نیاز حمایت از ادعای نقض مشارکتی نیست. در اینجا عامل پیونددهنده به ظاهر کمترین دخالت را دارد. بنا بر این مطمئناً در مورد پیوند ترغیبی، حداقل، صرف ایجاد پیوند برای تأمین این آستانه کاملاً بعید می‌نماید.

موقعت، زمانی پیچیده‌تر می‌شود که با سایت‌های فریم‌داری مانند توتال‌نیوز مواجه می‌شویم. در این سایت پیوند ترغیبی به پیش آمدن یک صفحه مرکب روی نمایش‌گر کاربر منتهی می‌شود که مطالب انحصاری به عنوان اجزای سازنده آن مطرح هستند. چنانچه مرور کاربر تا حدودی نشان از نقض کی‌رایت داشته باشد، عامل پیونددهنده و مسئول سایت چارچوب‌دار مظنون به نقض مشارکتی و تأمین بودجه حمایت از نقض است. احتمال قوی‌تر این است که برقراری این نوع پیوند حاکی از مشارکت واقعی و ضروری در نقض آشکار کاربر نهایی با هدف نقض مشارکتی باشد. علاوه بر این، از آنجا که این نوع پیوند مانند «ابزار» عمل تخطی‌گرایانه کاربران عمل می‌کند، احتمالاً به عنوان بودجه حمایتی عمل نقض کی‌رایت نیز مطرح است. همچنین، از آنجا که مقصود پیوندهای غیرمجاز در این مثال‌ها ایفای نقش ابزار نقض است، در هیچ یک از آنها عامل پیونددهنده نمی‌تواند به این علت که پیوند مورد نظر دارای کاربر واقعی غیرتخطی‌گرایانه است، از ادعای تأمین بودجه حمایت از عمل نقض دفاع کند.

اتان کاتش در اثر وزین خویش با نام قانون در دنیای دیجیتال^{۱۲} آورده است: «فضای دیجیتال ابرمتن جدید که در آن، پیوندها، فرصت‌های ارتباطی و ابزار جدید آفرینش ظهور یافته‌اند، محیطی است که چگونگی نگرش ما به آثار خلاقیت‌آمیز، چگونگی توصیف ما از آنها و همچنین چگونه اندیشیدن ما به آنها را برای متحول شدن ترغیب می‌کند.» شاید به پیشنهاد برخی بهتر است محور توجه را به جای تمرکز بر کی‌رایت و مالکیت معنوی سازمان یافته، به طور کلی بر پایه ماهیت بهره‌گیری از آثار و توانایی نویسنده در نظارت بر این بهره‌گیری قرار دهیم. به طور مثال فن‌آوری‌هایی موجود است که دارنده سایت می‌تواند با رجوع به آنها و بدون توسل به مراجع قانونی، از اتصال غیرمجاز ممانعت به عمل آورد. می‌توانیم با تکیه بر فن‌آوری‌های پیچیده‌تر و بدین ترتیب، پی‌گیری

دقیق‌تر و توجه به استفادهٔ عموم از مطالب انحصاری نویسندگان، از منابع آنان حمایت مؤثری به عمل آوریم. اما از آنجا که اینگونه طرح‌های برقرارکنندهٔ نظم ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای را در جهت تهدید آزادی‌های بنیادین موجب شوند، چه بسا این وسوسه در نهایت نوعی کوتاه‌بینی محسوب شود. تصور این مطلب که فعالیت بنیادینی نظیر برقراری پیوند در پرده‌ای از ابهام حقوقی باقی بماند، چه از طریق بازسازی اصول حقوقی مالکیت معنوی چه از طریق راهکار خلاقانه‌تر، امر بسیار مشکلی به نظر می‌آید. اما همان‌گونه که در این متن آمده است، چارچوب مالکیت معنوی در بهترین شرایط می‌کوشد ابزارهای تحلیل‌گرایانهٔ لازم جهت توجه به این موضوع را فراهم آورد.

پی‌نوشت

۱. ترجمه بخشی از مقاله‌ای است که با مشخصات زیر منتشر شده است:

«Copyright on the www; linking and liability» Edward A. Cavazos and coe F. Miles,
The Richmond Journal of law and Technology, Vol. IV. Issue 2, Winter 1997.

2. The Dillbert Hack Page.
3. Total NEWS
4. Frame
5. Logo
6. Linking party
7. Direct infringer
8. Contributory infringer
9. Means to infringe
10. Participatory infringement
11. Materially contributes
12. Law in a digital world





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی